

در این گوشهٔ دنیا (جلد اول)

فومیو کونو

مترجم: زهرا باقری



در این گوشه دنیا (جلد اول) مانگا

نویسنده: فومیو کونو • مترجم: زهرا باقری

مدیرگروه ترجمه: اکرم شکرزاده • ویراستار: سمیه شکرزاده

ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی

صفحه آرا: زیبا کتاب • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک: ۸-۱۱۴-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۵-۱۱۵-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش بامترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه: کونو، فومیو، ۱۹۶۸-م. Kōno, Fumiyo, ۱۹۶۸-

عنوان و نام پدیدآور: در این گوشه دنیا/نویسنده فومیو کونو؛ مترجم زهرا باقری؛ مدیر گروه ترجمه اکرم شکرزاده؛ ویراستار سمیه شکرزاده. مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۳-

مشخصات ظاهری: ج.: مصور. شابک: دوره: ۵-۱۱۵-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸؛ ج.: ۸-۱۱۴-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان «In this Corner of the World» به فارسی برگردانده شده است.

موضوع: داستان ها، مجله ها و فکالعیات تصویری -- ژاپن -- قرن ۲۱م.

شناسه افزوده: باقری، زهرا، ۱۳۷۹-، مترجم

شناسه افزوده: شکرزاده، اکرم، ۱۳۶۲-

رده بندی کنگره: PN۶۷۹۰

رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۴۴۷۴۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴ ① ۰۲۵-۳۲۹۲۴۵۸۳

فهرست

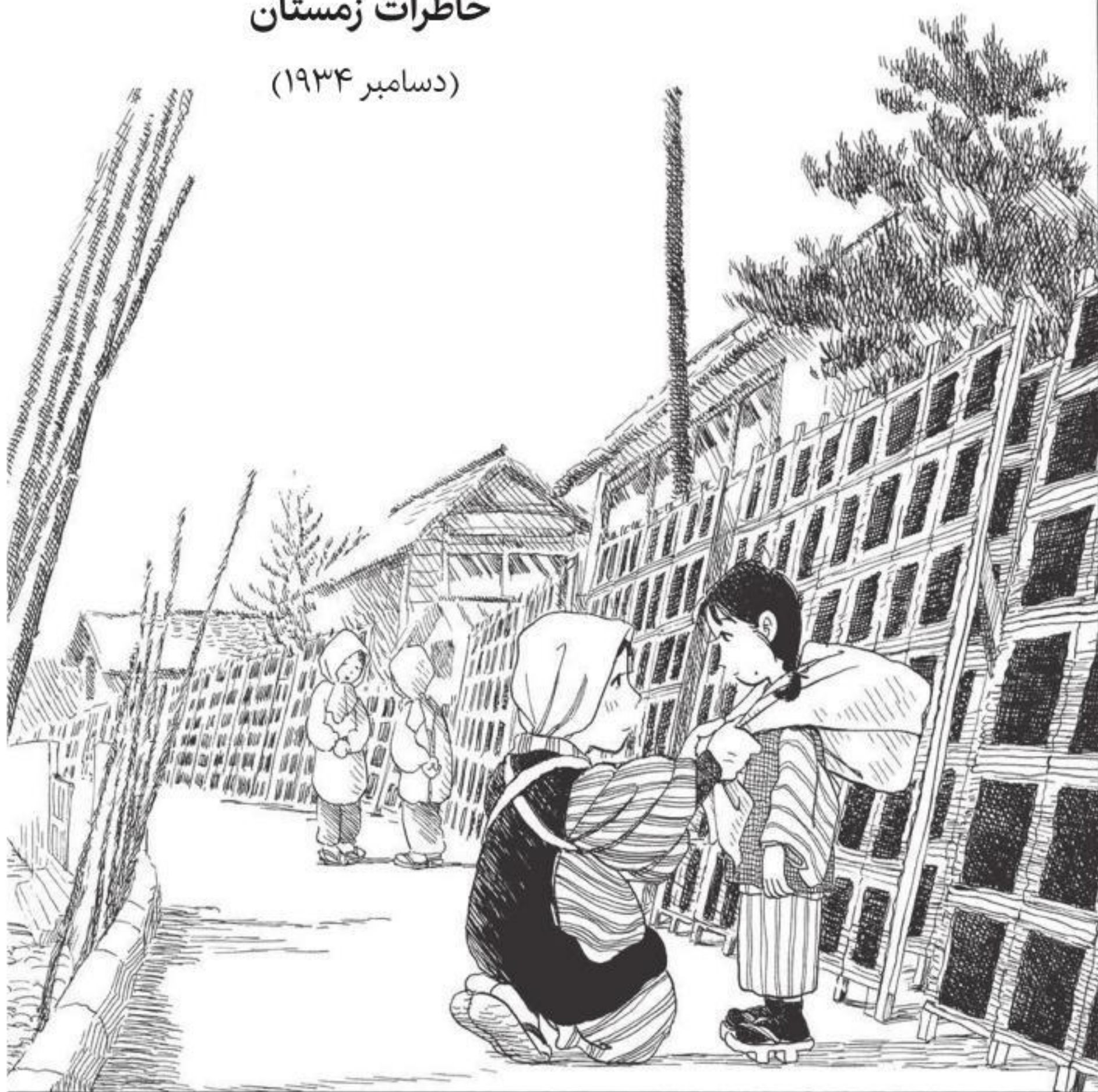
۵	خاطرات زمستان (دسامبر ۱۹۳۴)
۱۷	وقتی جزرومد شد (آگوست ۱۹۳۵)
۳۴	خرگوش‌ها سوار بر امواج (فوریه ۱۹۳۸)

در این گوشه دنیا

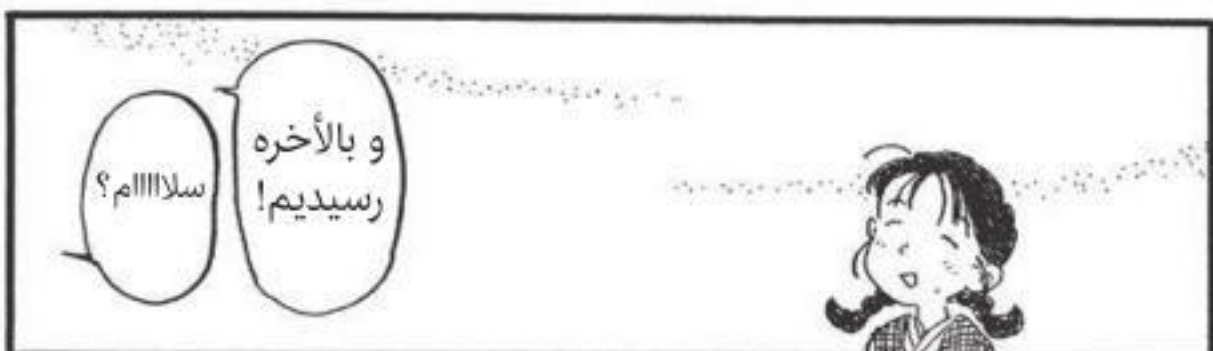
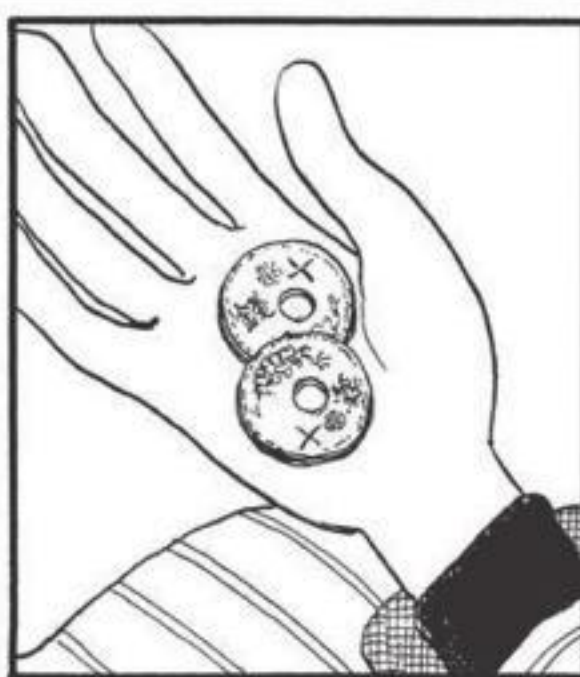
۵۲	فصل ۱: دسامبر ۱۹۴۳
۶۵	فصل ۲: فوریه ۱۹۴۴
۷۳	فصل ۳: فوریه ۱۹۴۴
۸۱	فصل ۴: فوریه ۱۹۴۴
۸۹	فصل ۵: مارس ۱۹۴۴
۹۷	فصل ۶: مارس ۱۹۴۴
۱۰۵	فصل ۷: آوریل ۱۹۴۴
۱۱۳	فصل ۸: می ۱۹۴۴
۱۲۱	فصل ۹: می ۱۹۴۴
۱۳۷	فصل ۱۰: ژوئن ۱۹۴۴
۱۲۹	فصل ۱۱: جولای ۱۹۴۴

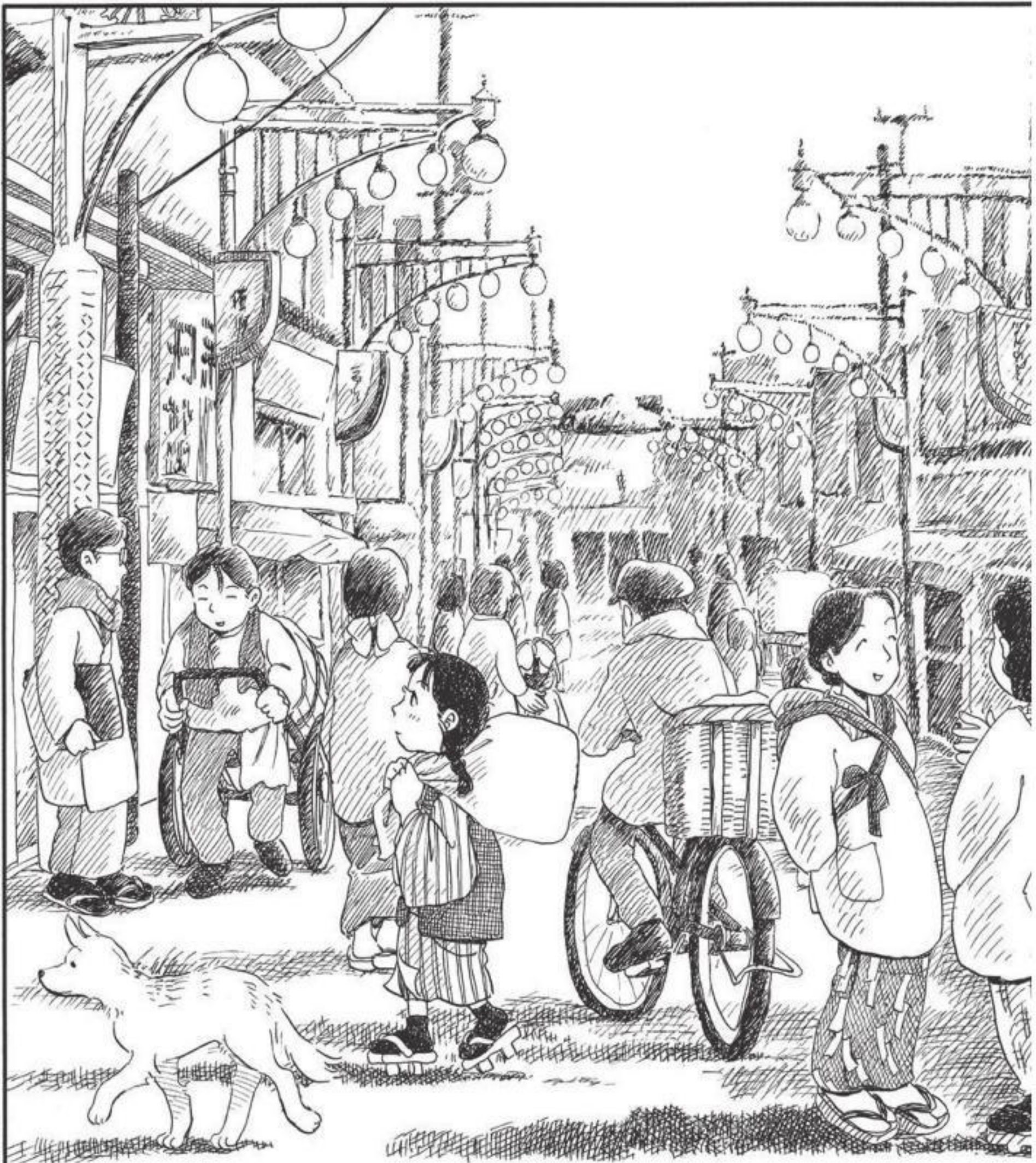
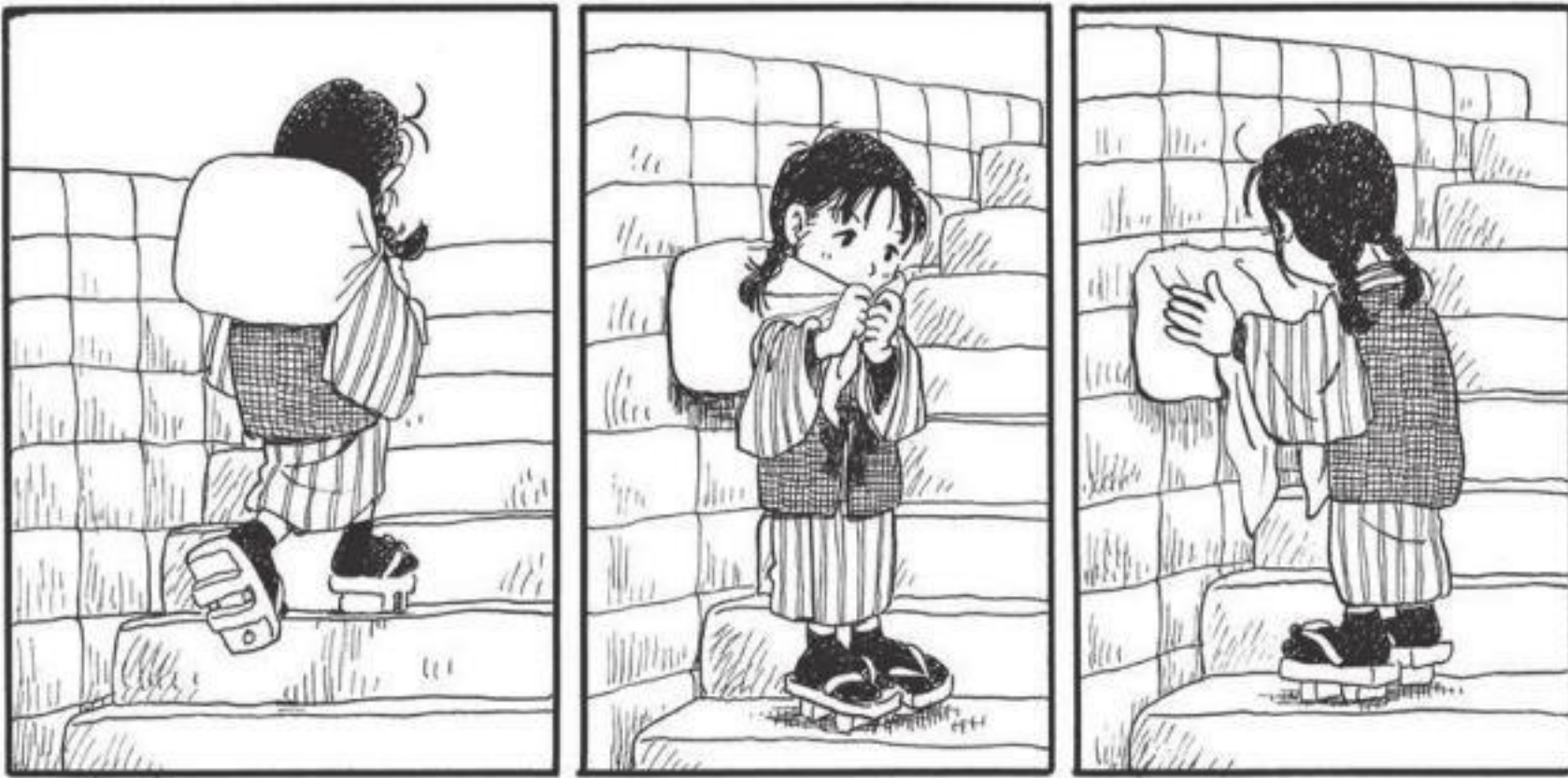
خاطرات زمستان

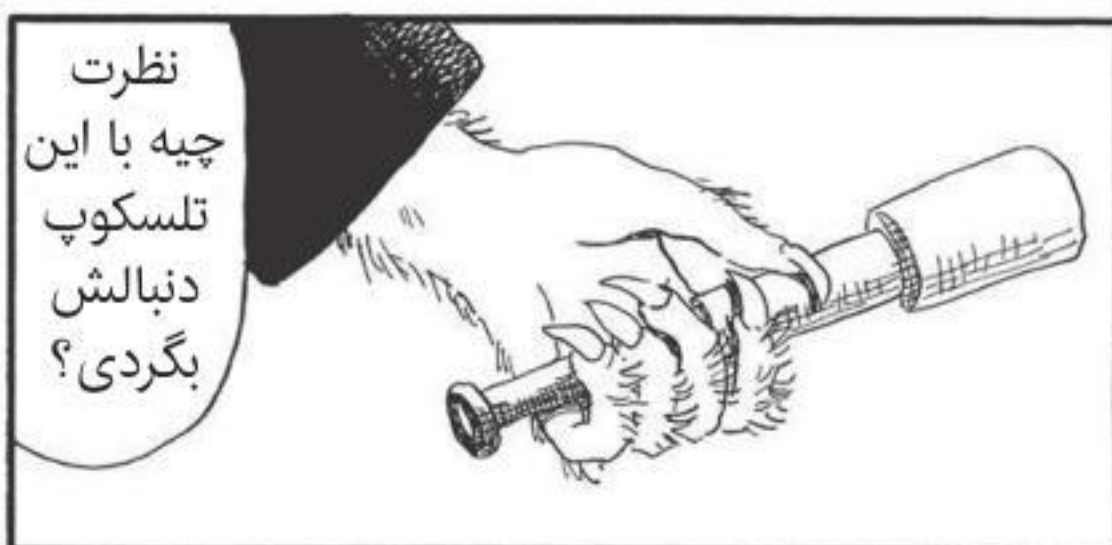
(دسامبر ۱۹۳۴)

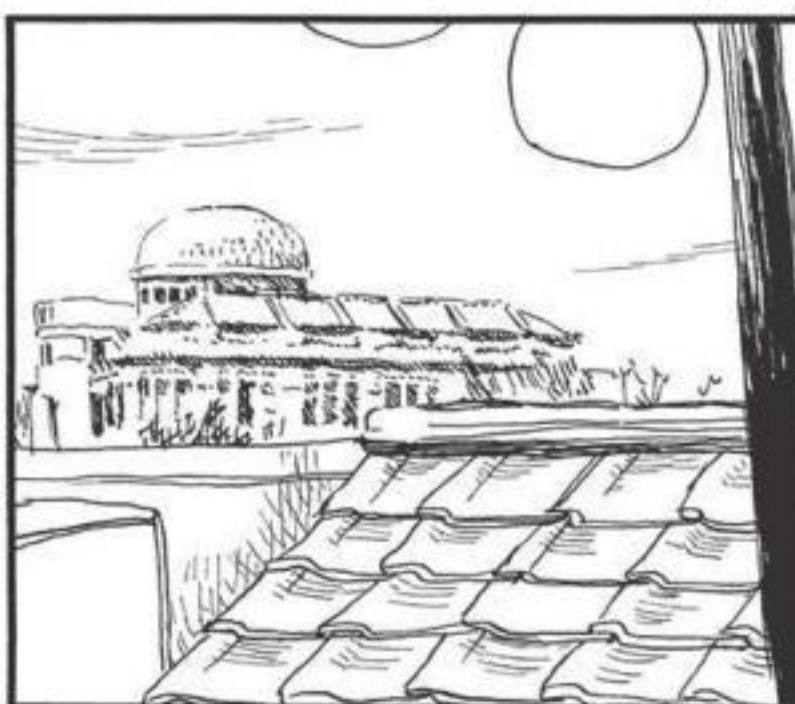












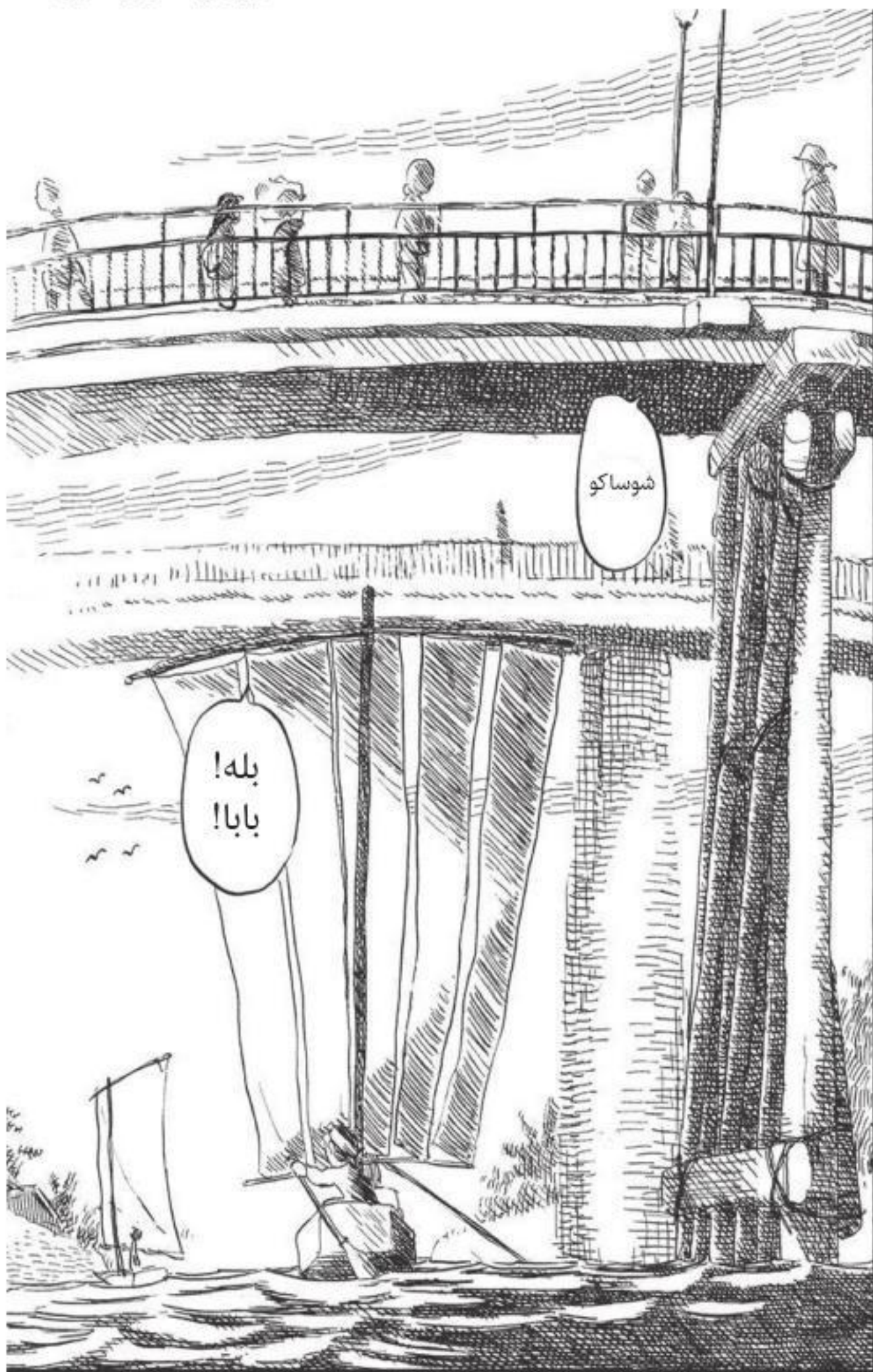






تالاب







آفرین
خودشه

بابت این که
زحمت کشیدی
اونا رو تا این جا
آوردی ازت
ممنولم.



مردم مدام
می گویند که من
همیشه در ابرها
سیر می کنم...



به همین خاطر
مطمئنم تمام
چیزی که آن روز
اتفاق افتاد تنها
باید يك رؤيا
باشد.



اما صبح روز بعد
شنیدیم که یک
صفحه از سفارشات
جلبک دریایی کم
بوده و پدر مجبور شد
برای معذرت خواهی
به آن جا برود.

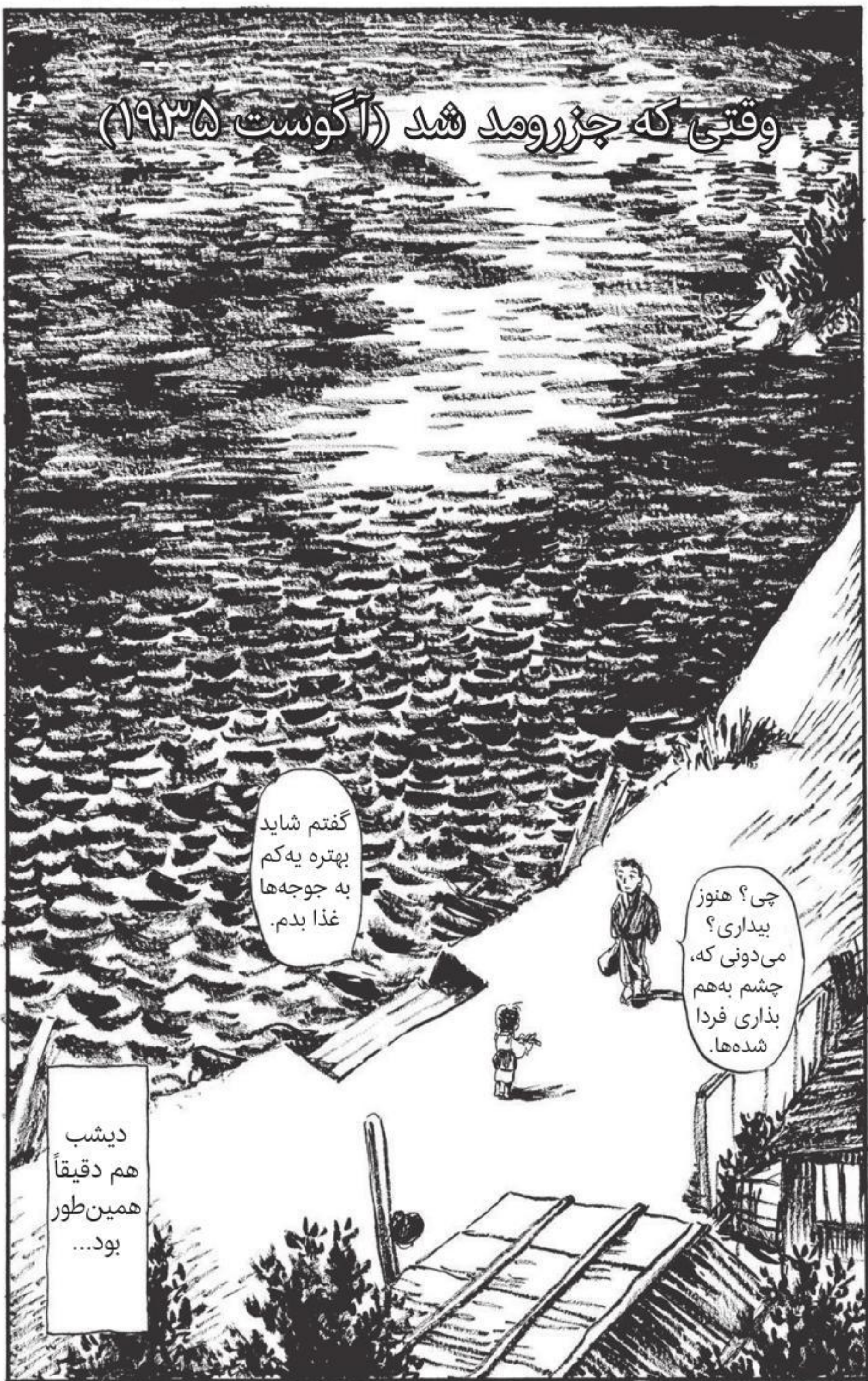
شاید صاحب
اون قایق پر
از سنگ ریزه
دوباره من رو
برسونه.

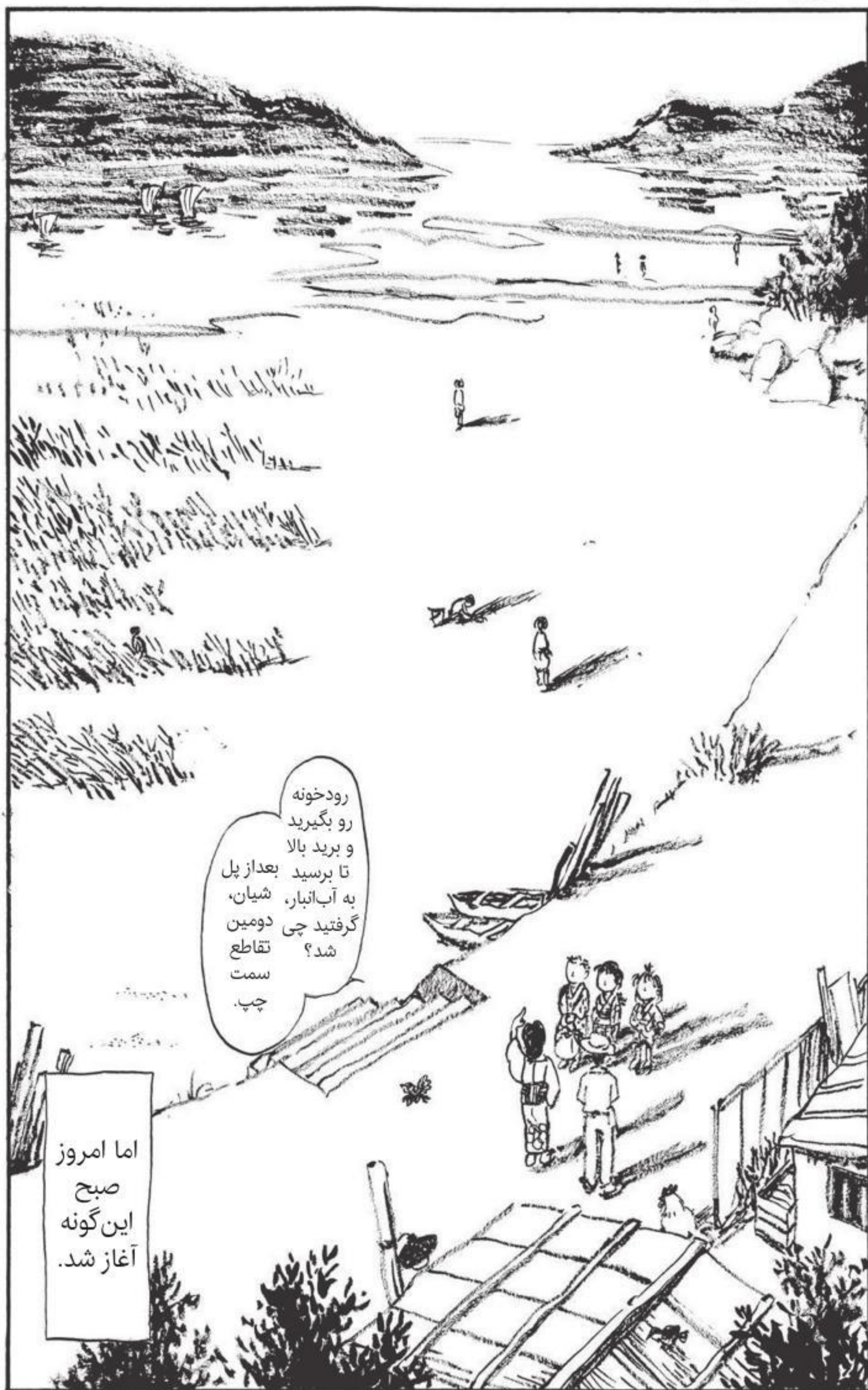
وقتی که جزر و مد شد (اگوست ۱۹۳۵)

گفتم شاید
بهتره یه کم
به جوجه‌ها
غذا بدم.

چی؟ هنوز
بیداری؟
می‌دونی که،
چشم به هم
بذاری فردا
شده‌ها.

دیشب
هم دقیقاً
همین‌طور
بود....





رودخونه
رو بگیرید
و برید بالا
تا برسید
به آب انبار،
گرفتید چی
دومین
تقاطع
سمت
چپ.

اما امروز
صبح
این گونه
آغاز شد.



